

ارزیابی درجه‌ی تمرکز اعتبارات در عقود اسلامی و اثر آن بر رشد اقتصادی در ایران

علیرضا پورفرج*

استادیار اقتصاد و عضو هیأت علمی دانشگاه مازندران pourfaraj@yahoo.com

ولی... علیزاده

دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه مازندران Alizadehamoli@gmail.com

تاریخ دریافت: ۸۸/۲/۲ تاریخ پذیرش: ۸۹/۱۰/۲۸

چکیده

از سال ۱۳۶۳ قانون عملیات بانکی بدون ربا در سیستم بانکداری ایران اجرا شد. یکی از مهم‌ترین اهداف این قانون، حذف ربا در سیستم بانکی و اثرگذاری اعتبارات بر رشد اقتصادی از طریق برتری مشارکت پول در سرمایه است.

این مقاله با استفاده از داده‌های ۱۳۶۳ تا ۱۳۸۶ از طریق شاخص هرفیندال - هیرشمن، درجه‌ی تمرکز اعتبارات در عقود بانکی را ارزیابی و رتبه‌بندی کرده است. نتایج نشان می‌دهد تمرکز در اعتبارات، بیش‌تر به سمت عقود مبادله‌ای با نرخ ثابت است و عقود مشارکتی در اهمیت دوم و کم‌تر قرار دارد. با توجه به این که یکی از اهداف سیاست‌های پولی در حذف بهره اثرگذاری بر رشد است، در بررسی علیت گرنجری، رابطه‌ی میان اعتبارات بانکی عقود مبادله‌ای بر رشد معنی‌دار نبوده و نیاز است برای اهداف رشد، تمرکز اعتبارات به سمت عقود مشارکتی هدایت شود.

طبقه‌بندی JEL : O42, E52

کلید واژه: حذف ربا، عقود اسلامی، برتری مشارکت پول در سرمایه، رشد اقتصادی،

شاخص هرفیندال - هیرشمن

۱- مقدمه

آیا نظام بانکداری ایران توانسته است با تصویب قانون عملیات بانکی بدون ربا از سال ۱۳۶۳ توزیع متقارن و مؤثری در بازار پول و سرمایه پدید آورد؟ و توانسته تمایل نظام پولی- اعتباری را که قبل از سال ۱۳۶۲ بیش‌تر بر بانکداری تجاری بوده است از برتری پول - بهره، به برتری مشارکت پول در سرمایه هدایت کند؟

آیا با حذف بهره (ربا)، تمایل به عقود مشارکتی، حتی عقود مبادله‌ای با نرخ ثابت و متغیر، توانسته است در فرآیند حرکت حقیقی اقتصاد و رشد مؤثر باشد و قانون عملیات بانکی را از طریق قرض الحسنه و عقود مشارکتی تحقق بخشد؟ معمولاً در دسته‌بندی عقود براساس عقود مشارکتی شامل مضاربه، مشارکت مدنی و حقوقی، بانک‌ها به تناسب میزان سرمایه‌ی پرداختی در فعالیت اقتصادی در سود و زیان شریک شده و به‌صورت حق الوکاله عمل می‌کنند. نرخ سود انتظاری، بعد از کارشناسی و بدون تعیین نرخ سود قطعی از قبل بین بانک و عامل تنظیم و نرخ سود قطعی بعد از انجام فعالیت اقتصادی معین خواهد شد. در عقود با بازدهی ثابت که شامل فروش اقساطی، اجاره به شرط تملیک است، سود این دسته از عقود هنگام عقد قرارداد به‌صورت قطعی تعیین می‌شود، ولی در عقود با بازدهی متغیر شامل سلف و جعاله، سود قطعی پس از اتمام دوره‌ی مالی طبق قرارداد و با توجه با هزینه‌های قابل قبول تعیین می‌شود. در این دسته از عقود معمولاً عمل بانک به‌صورت حق الوکاله‌ای نیست.

کشورهایی که دارای تورم بالا هستند، برای یک حد بهینه‌ی منابع و مصارف بانکی، نرخ بهره‌ی حقیقی را با توجه به نرخ تورم و نرخ بهره‌ی اسمی تعیین می‌کنند، زیرا هرچه نرخ بهره افزایش یابد، تقاضا برای منابع مالی کاهش یافته و عرضه وجوه اضافه می‌شود. لذا تعیین نرخ بهره‌ی بانکی یکی از متغیرهای اساسی بازار پول - سرمایه است. اگر سرکوب مالی را اعمال سقف قیمت بر روی نرخ اسمی اعتبارات نظام بانکی توسط دولت و برون‌زا در نظر بگیریم، یک سطحی از نرخ بهره‌ی عامل جیره‌بندی اعتبارات و رانت اقتصادی است، زیرا نرخ بهره‌ی بانکی حقیقی منفی موجب افزایش تقاضا برای منابع مالی شده و کمبود پس‌اندازهای مردم و منابع مورد نیاز در سیستم بانکی پاسخ‌گوی تقاضای فزاینده‌ی منابع مالی نیست، به همین دلیل منجر به سرکوب مالی و جیره‌بندی می‌شود. بانک‌ها برای افزایش درآمد خود تمایل دارند به صورت

واسطه‌ی پول و عقود مبادله‌ای عمل کنند. در این حالت بانک‌های تجاری اعتبارات کوتاه مدت را بیش‌تر از انواع دیگر اعتبارات ترجیح می‌دهند.

کشورهای غربی (اروپا و آمریکا) و حتی برخی از کشورهای آسیایی که از دهه‌ی ۱۹۹۰ میلادی توانستند نرخ تورم را مهار کنند (در حد ۲ تا ۴٪)، ناچار شدند نرخ‌های بهره نزدیک به صفر را اعمال کنند، لذا عملیات تجاری کوتاه مدت فرایند پربازده و درآمدزا برای بانک‌ها نبوده و بانک‌ها نتوانستند از محل تفاضل دو نرخ بهره، یعنی بهره‌ی وام و بهره‌ی سپرده‌های بانکی سود کسب کنند، لذا به بانک‌داری بلندمدت و سرمایه‌گذاری و عملیات بیمه، خرید و فروش سهام، بانک‌داری جامع واجد ریسک و عملیات بانکی دراز مدت توسعه‌ای و سرمایه‌گذاری چند منظوره، معروف به سوپر مارکت‌های مالی، روی آوردند.

در ایران از سال ۱۳۶۳، با اجرای قانون عملیات بانکی بدون ربا، بانک‌های تخصصی و تجاری به سیستم بانکی جدیدی روی آوردند تا در این سیستم، بانک به عنوان واسطه‌گر مالی با انعقاد عقود متعدد رابطه‌ی میان عرضه کننده و تقاضا کننده‌ی وجوه را برای اهداف تولیدی و توسعه‌ای برقرار کنند.

این مقاله تلاش دارد از طریق شاخص هرفیندال - هیرشمن، رابطه‌ی میان رشد اقتصادی و درجه‌ی تمرکز عقود در سال‌های ۱۳۶۳ تا ۱۳۸۶ را تجزیه و تحلیل کند، تا مشخص شود آیا عقود مشارکتی، عقود با نرخ سود ثابت و متغیر، که ابزارهای واسطه‌گری مالی در بانک‌داری اسلامی در ایران است، بر اساس علیت گرنجری با رشد، تأثیرات یک‌طرفه دارند یا دو طرفه و یا اساساً ارتباط معنی‌داری بین آن‌ها وجود ندارد؟ فرض اولیه در نظام پولی - اعتباری بر اساس عقود اسلامی این است که چون عقود، منجر به فرایند حرکتی حقیقی از طریق تبدیل رجحان پول - بهره به رجحان مشارکت پول در سرمایه می‌شوند، اثر مثبتی بر رشد دارند.

۲- مروری بر مطالعات انجام شده

بیش از ۸۰ کشور شامل کشورهای در حال توسعه و صنعتی دارای نوعی از بانک‌داری و یا مؤسسه‌های اسلامی هستند که از نیمه‌ی دوم دهه‌ی ۱۹۷۰ ایجاد شده‌اند. در کنار این تغییر ساختار، در برخی از کشورها پژوهش‌هایی نیز به‌طور گسترده در بازار پولی و مالی انجام گرفته است. محسن خان و میرآخور، با بررسی این نکته که در نظام

متکی بر سود و زیان، سپرده‌گذاران به منزله‌ی صاحبان سهام بانک تلقی می‌شوند و در نتیجه‌ی یک ارزش اسمی، نرخ بازده از پیش تعیین شده برای سپرده‌های آنان تعیین نمی‌شود و اگر سودی عاید بانک شود، صاحبان سهام و سرمایه‌گذاران، مستحق دریافت آن هستند، بنابراین بانک‌های اسلامی به حکم اسلام مکلفند که همان اصول مشارکت در سود و زیان را در مورد عملیات وام دهی خویش اعمال کنند.

در بررسی موضوع، برخی از پژوهش‌ها به اهمیت بازار مالی و پولی بر رشد اقتصادی توجه دارند، که اهم این پژوهش‌ها را می‌توان در مقالات و تحقیقات اقتصاددانانی چون گلداسمیت^۱ (۱۹۶۹)، مکینون^۲ (۱۹۷۳)، شاو^۳ (۱۹۷۳) مشاهده کرد. آن‌ها بر این باورند که بازارهای مالی نقشی کلیدی در رشد اقتصادی دارند و تفاوت در کمیت و کیفیت خدمات ارائه شده توسط مؤسسات مالی، می‌تواند نقش مهمی از تفاوت نرخ رشد در بین کشورها را توضیح دهد. نگرش دیگری وجود دارد که به نظام‌های مالی و واسطه‌های مالی تنها به عنوان کمک کننده‌ی صنعت نگاه می‌کند.

لوین^۴ (۱۹۹۲)، با بررسی تأثیرات ساختارهای مختلف مالی بر رشد اقتصادی بدین نتیجه می‌رسد که گسترش بانک‌ها، بازار سهام و بانک‌های سرمایه‌گذاری، رشد اقتصادی را از طریق افزایش کارایی تخصیص سرمایه افزایش می‌دهد. سنت پاول (۱۹۹۲)، در بررسی خود به این نتیجه می‌رسد که توسعه‌ی بازارهای مالی از طریق تأثیرگذاری انتخاب‌های تکنولوژیک می‌تواند رشد اقتصادی را افزایش دهد. در مطالعه‌های مارتین و روبینی^۵ (۱۹۹۲)، رابطه‌ی بین توسعه‌ی واسطه‌های مالی و رشد اقتصادی با توجه به سیاست‌های دولت بررسی و نشان داده شده است که سرکوب‌های مالی ابزاری در دست دولت‌ها هستند تا با استفاده از آن‌ها پایه‌ی مالیاتی تورم را گسترش دهند.

بیش‌تر پژوهش‌هایی که بازار مالی اسلامی را مورد ارزیابی و تجزیه و تحلیل قرار می‌دهند، اقتصاددانان عضو صندوق بین‌المللی پول و کارشناسان بانک جهانی هستند. وقار محمود خان، می‌گوید: یک نظام مالی اسلامی، مجموعه‌ای از قراردادهاست که هر نظام مالی بر حسب نوع قراردادی که به بازار ارائه می‌دهد و منابعی که فراهم می‌آورد،

1- Gold smit.

2- Mac-kinnon.

3- Show.

4- Levine.

5- Martin and Robine.

ارائه می‌دهد. قراردادی که حاوی شرط مشارکت در سود و زیان ناشی از فعالیت اقتصادی است و برای تأمین مالی آن از وام استفاده می‌شود. شاهرخ رفیع خان، با ارائه‌ی الگوی مشارکت در سود و زیان نشان می‌دهد که جایگزین کردن مکانیزم مشارکت در سود و زیان با جای مکانیزم بهره به عنوان مبنایی برای انجام معاملات مالی در بازار وجوه قابل استقراض، یک مکانیزم مالی است که رابطه‌ی سرمایه‌ی مالی را با صنعت و تجارت در سود بدون استفاده از بهره برقرار می‌کند. در این قرارداد سهم هر طرف در سود به‌جای نرخ بازدهی ثابت از پیش مشخص شده، تابع بازدهی سرمایه است، لذا تأمین مالی از این روش از ریسک‌پذیری کم‌تری برخوردار است. ندیم الحق و میرآخور، در بررسی رفتار پس‌انداز در یک اقتصاد بدون بهره‌ی ثابت، نتیجه‌گیری می‌کنند که حذف نرخ بهره از پیش تعیین شده، موجودی‌داری‌های در اختیار پس‌اندازکننده را محدود نمی‌کند و اثر منفی بر پس‌انداز ندارد.

از مهم‌ترین پژوهش‌های انجام شده پیرامون پول در اقتصاد اسلامی در اقتصاد ایران می‌توان از توتونچیان (۱۳۷۱)، در مقاله‌ی "تحلیل مقایسه‌ای حد بهینه‌ی سرمایه‌گذاری در نظام بانک‌داری سرمایه‌داری و اسلامی در شرایط اطمینان و ریسک" نام برد که در آن پول یک کالای عمومی و سرمایه‌ی بالقوه تعریف می‌شود که به محض ترکیب حقوقی با عوامل تولید، به سرمایه تبدیل می‌شود و نظام بانک‌داری اسلامی در مقابله با شرایط رکودی، توانایی و انعطاف لازم را دارد و از طریق کاهش سهم سود خود به راحتی از عهده‌ی این شرایط احتمالی برمی‌آید و افزایش حجم سرمایه‌گذاری به طریق مؤثر عمل می‌کند. نظام بانک‌داری سرمایه‌داری در شرایط تورمی دارای ابزار قوی است، ولی در شرایط رکودی کاملاً ناتوان است، زیرا در این شرایط درجه‌ی ریسک سرمایه‌گذاران افزایش یافته و هزینه‌ی ریسک به‌صورت افزایش در قیمت، به مصرف‌کنندگان منتقل می‌شود.

حشمتی مولایی (۱۳۸۳)، در مقاله‌ی "عوامل مؤثر بر توسعه‌ی مالی در نظام مالی بانک‌داری ایران"، به این نتیجه می‌رسد که توسعه‌ی مالی در نظام بانکی می‌تواند سبب گزینش بهترین طرح‌های سرمایه‌گذاری شود و تأمین مالی‌های جدید تولید را فراهم آورد.

صالحی تبار در پایان نامه (۱۳۷۷)، در بررسی اثر توسعه‌ی مالی بر رشد اقتصادی، با تأکید بر بانک‌ها و بازار سهام، با درون‌زا کردن شاخص توسعه‌ی مالی در الگوی رشد

بیان می‌کند که وظیفه‌ی اصلی سیستم مالی انتقال وجوه قابل وام دهی از پس‌اندازکنندگان به قرض‌گیرندگان «شرکت‌های تجاری و دولت» می‌باشد. وی معتقد است که این تأثیر از طریق پنج کارکرد اساسی سهولت بخشی به مدیریت ریسک، کاهش ریسک نقدینگی دارائی‌ها و پروژه‌های سرمایه‌گذاری، اعمال کنترل بر شرکت‌ها و مدیران آن‌ها، تسهیل در مبادلات کالاها و خدمات و تجهیز پس‌اندازها و تخصیص منابع، انجام می‌گیرد.

صمدی و نصراللهی (۱۳۸۶)، در مقاله‌ی خود با عنوان "بررسی رابطه‌ی بین توسعه‌ی بازارهای مالی و رشد اقتصادی"، نتیجه گرفتند که در ایران رابطه‌ی مثبت هم‌جمعی بلندمدت بین بازارهای مالی و رشد وجود نداشته و بین بازار سرمایه و رشد اقتصادی کشور هیچ رابطه‌ی معنی‌داری موجود نیست و بازار پول اثر منفی بر رشد اقتصادی کشور دارد.

متوسلی و آقابائی (۱۳۸۵)، مقاله‌ی خود با عنوان "آسیب شناسی نظام بانکی ایران از منظر نهادگرایی"، با استفاده از شاخص‌های توسعه‌ی مالی نشان داده‌اند که نظام بانکی ایران در ایفای نقش تأمین مالی سرمایه‌گذاری‌ها و ابداعات فناوری مؤفق نبوده است و با استفاده از نگرش نهادگرایی به تبیین علل این مسئله می‌پردازد. موسویان (۱۳۸۶)، عضو کمیته‌ی بانک‌داری بدون ربا، با اعلام ۱۰ اشکال اساسی قانون عملیات بانکی بدون ربا، خبر ارائه‌ی نسخه‌ی ویرایش شده‌ی این قانون به مجلس شورای اسلامی را داده و خلأهای موجود در قانون فعلی را برشمرده است. وی تعداد بیش از حد عقده‌های بانکی، آموزش ناکافی کارکنان، عدم تناسب عقده‌ها با فعالیت‌های بانکی، نظارت مستمر و کنترل برخی از قراردادهای و هزینه‌ی سنگین اجرای برخی از عقود را از جمله مشکلات قانون عملیات بانکی بدون ربا در سیستم بانکی ایران معرفی کرده است. پورفرج (۱۳۸۵)، در مقاله‌ی خود، اثر حذف نرخ بهره بر رشد اقتصادی را با استفاده از مدل رشد سولو بررسی کرده و در یک نتیجه‌ی نظری نشان داده که رابطه‌ی بین بازار مالی و پولی اسلامی با مکمل رشد است.

نظیفی، فاطمه (۱۳۸۳)، در مقاله‌ی توسعه‌ی مالی و رشد اقتصادی در ایران نشان می‌دهد که توسعه‌ی مالی از طریق افزایش پس‌انداز و سرمایه‌گذاری، زمینه‌ی رشد اقتصادی را فراهم می‌کند و بر انتقال تأثیر توسعه‌ی مالی بر رشد، از طریق تأثیرات آن بر تخصیص منابع و کارایی سرمایه‌گذاری تأکید دارد.

میر خلیلی، سید حسین (۱۳۸۳)، در مقاله‌ی "الگوی برای سازماندهی مجدد نظام بانکی در ایران" معتقد است با وجود اجرای قانون عملیات بانکی بدون ربا در ایران، هنوز ساختار و سازمان‌دهی بانک پدید نیامده است. وی پیشنهاد می‌دهد برای حفظ ماهیت واسطه‌گری مالی، بانک‌ها تنها وظیفه‌ی واسطه‌گری مالی را انجام دهند که سبب سه تغییر در سازمان‌دهی بانک‌ها خواهد شد.

۳- مبانی نظری: واسطه‌گری مالی در نظام مبتنی بر بهره و نظام مبتنی بر سود

یکی از مهم‌ترین نظریاتی که تلاش دارد رابطه‌ی بین بازار پول و سرمایه را با عنوان واسطه‌گر مالی را تشریح کند، نرخ بهره را متغیر مؤثری بر جابه‌جایی پول و سرمایه برمی‌شمارد. واسطه‌گری مالی، به نوعی انتقال منابع مالی از واحدهای با عرضه‌ی وجوه، به واحدهایی با کسری منابع است. بانک‌ها به عنوان بازار پول - سرمایه و بازار سهام به عنوان بازار سرمایه - پول، دو عنصر فعال واسطه‌گری مالی در نظام اقتصادی هستند که با اخذ سپرده وام می‌دهند و از بازار سرمایه از طریق خرید اوراق بهادار پول قرض می‌گیرند.

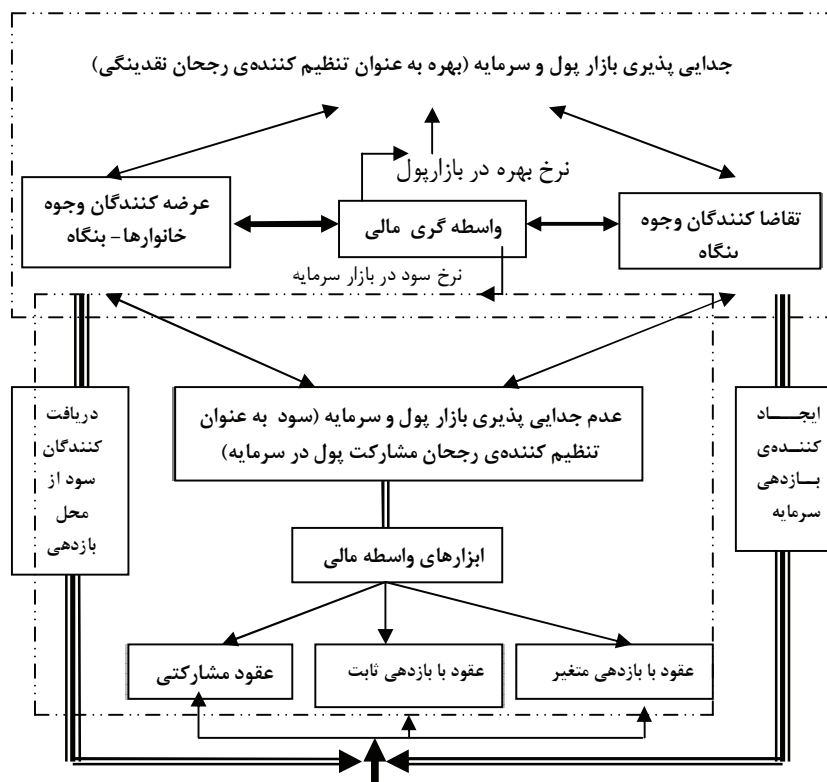
اگر تک تک افرادی که دارای مازاد منابع فردی‌اند، با کسانی که دارای کسری منابع هستند، ارتباط برقرار کنند، تأمین مالی، با هزینه و ریسک همراه خواهد بود، لذا بانک‌ها سپرده‌ی اندک خانوارها و بنگاه‌های دارای مازاد را جمع‌آوری و با هم جمع می‌کنند و به دارندگان کسری منابع، خانوارها و بنگاه‌ها وام می‌دهند. بانک‌ها این ارتباط را به سهولت برقرار می‌کنند تا ریسک سپرده‌های خانوارها و بنگاه‌ها را به حداقل رسانند. اگر سپرده‌های واگذار شده به بانک‌ها با دو مفهوم ریسک نقدی (بازگرداندن پول) و ریسک قیمتی تجزیه و تحلیل شود، بانک‌ها در مفهوم ریسک نقدی با اخذ وثیقه و ضمانت‌های بانکی، با کم‌ترین خطر نقد نشدن تعهدات، روبه‌رو هستند و در مقابل ریسک قیمتی، تابع شرایط و سیاست‌های کلان اقتصادی، بانک مرکزی و تورم می‌باشد. امروزه نرخ‌های که در سپرده به‌طور مستقیم محاسبه نمی‌شود، ریسک قیمتی و تأثیر نرخ تورم در واگذاری یک واحد پول به واسطه‌ی مالی است، هر چند در سنت نظام بانک‌داری غربی، نرخ بهره‌ی حقیقی با لحاظ کردن تورم تا حدوی توانسته است، جایگزین نرخ بهره‌ی اسمی شود.

در نظام واسطه‌گری مالی - بانکی اسلامی چون اصل بر این است که مازاد عرضه‌ی وجوه مردم و سپرده‌گذاران به واسطه‌ی بانک برای فرایند حرکتی حقیقی در اقتصاد (تولید و رشد یا رفاه و افزایش مطلوبیت) به کار می‌رود، انتظار این است، حداقل پروژه‌هایی تحقق یابد که نرخ بازدهی آن‌ها از جمع دو نرخ ارزش (نقدی) یک واحد سرمایه به اضافه‌ی تورم کم‌تر نباشد، هر چند ممکن است در برخی مواقع این انتظار تحقق نیابد، لذا تورم به طور مستقیم در فرایند حرکتی حقیقی در ارزش پول تأثیر نمی‌گذارد، بلکه در افزایش کالا و دارایی مؤثر خواهد بود، چون ملاک تعیین ارزش یک واحد پول در واسطه‌گری مالی، با معیار رجحان مشارکت پول در سرمایه ارزیابی می‌شود، به‌طور غیرمستقیم در توزیع سود ناشی از مشارکت پول در سرمایه در انتهای دوره‌ی توزیع منظور می‌گردد. به همین دلیل تعیین نرخ سود، تابعی از نرخ تورم نیست، بلکه تعیین نرخ سود، تابعی از نرخ بازدهی نهایی سرمایه و نرخ بازدهی سرمایه تابعی از نرخ تورم است، لذا باید بین واسطه‌گری مالی در نظام بانک‌داری مبتنی بر سنت بهره با بانک‌داری مبتنی بر سنت سود تفاوت قائل شد.

اگر واسطه‌گر مالی فقط وظیفه‌ی جریان مبادله‌ی بدون نظارت آتی را تأمین کند، با زمانی که واسطه‌گر مالی هزینه‌ی نظارت بر m واحد وام که توسط N نفر انجام می‌شود را به عهده گیرد، هزینه‌ی نظارت را هم باید در فرایند هزینه‌ی مبادله لحاظ کرد و این زمانی است که نرخ سود، تابعی از نرخ بازدهی سرمایه در نظر گرفته شده، به‌طوری‌که بازار پول در راستای بازار سرمایه تعریف شود. این فرایند سبب عدم جدایی پذیری بازار پول و سرمایه می‌شود، هر چند در مقایسه با واسطه‌گری مبتنی بر بهره در بانک‌داری متعارف، در کنار هزینه‌ی مبادله، هزینه‌ی نظارت را هم داراست. همین نظارت موجب می‌شود منابع قرض داده شده به درستی مدیریت و در اهداف رشد به‌کار گرفته شود. بنابراین اگر بازار پول در راستای بازار سرمایه تعریف شود و بازار پول مستقل از بازار سرمایه، در تعیین نرخ سود دخالتی نداشته باشد، عدم جدایی پذیری بازار پول و سرمایه می‌تواند در هر اعتباردهی بانک‌ها، آثار مثبت، سریع و مستقیمی بر رشد ایجاد کند. اما با جدایی پذیری بازار پول و سرمایه، این آثار مبهم و همراه با نوسانات سرمایه‌گذاری خواهد بود، که کینز^۱ این نوسانات را مؤثر در دور تجاری می‌داند. نتیجه‌ی این واسطه‌گری مالی و مبادله این است که با وجود بازار سرمایه، مطلوبیت فرد افزایش می‌یابد و واسطه‌گرهای

1 - Keynes.

مالی می‌توانند از طریق پس‌انداز کردن و افزایش مطلوبیت در آینده یا قرض گرفتن و افزایش مطلوبیت در زمان حال، سطح رفاه افراد را بالاتر از زمانی قرار دهند که بازار سرمایه وجود نداشته است. در نمودار (۱)، می‌توان فرایندی از واسطه‌گری مالی در نظام متکی بر رجحان نقدینگی نرخ بهره و رجحان مشارکت پول در سرمایه از طریق نرخ سود را نشان داد.



منبع: یافته‌های تحقیق

نمودار ۱- عملکرد واسطه‌گری مالی در بازار مبتنی بر بهره و سود

۴- ارائه‌ی مدل و تجزیه و تحلیل داده‌ها

هر سازمان و نهاد مالی و پولی در یک یا چند فعالیت در بازار، به تناسب اندازه و قدرت تأثیرگذاری در تعیین رفتار و استراتژی بین خود و سایر بنگاه‌ها مؤثرند. یکی از شاخص‌هایی که به بیان مفهوم تمرکز و نابرابری و اعمال قدرت در بازار پول و سرمایه یا

هر بازار دیگر می‌پردازد، شاخص هر فیندال - هیرشمن^۱ است. شاخص هر فیندال را می‌توان برای اندازه‌گیری تمرکز در موقعیت‌های گوناگون به کار برد. یکی از کاربردهای آن در سیستم بانکی و توزیع اعتبارات در تمام بخش‌های اقتصادی و بانک‌داری است. شاخص هر فیندال در زمینه‌ی پولی - بانکی، برای جلوگیری از ادغام بانک‌ها در سال ۱۹۵۸ توسط وزارت دادگستری آمریکا در مورد ادغام افقی (بین بنگاه‌هایی که به تولید یک محصول می‌پردازند یا یک اعتبار خاص را گسترش داده و در یک جغرافیای خاص عمل می‌کردند) به کار گرفته شد در سال ۱۹۹۲، با تجدید نظر، این شاخص به‌عنوان معیاری برای وضع قوانین ضدانحصاری بانکی در اروپا و آمریکا و ملاکی برای سیاست دخالت بانک مرکزی در بازار پول، مطرح و این نتیجه حاصل شد که در ادغام بانک‌ها اگر شاخص هر فیندال ($H > 1800$) شود، یا تغییرات کم‌تر از ۲۰۰۰ (در فعالیت‌های کم‌تر از ۵۰ بنگاه) باشد، احتمال دارد که ساختار بازار پول و سرمایه به سطحی از تمرکز برسد که در آن بنگاه‌ها بتوانند قیمت یا نرخ بهره را با تبانی به‌طور مداوم بالاتر از سطح قیمت‌های (نرخ بهره) رقابت قرار دهند. شاخص H فقط یکی از عناصر تحلیل نتایج ادغام بانک‌ها بر روی میزان رقابت است، اما به‌دلیل اهمیتی که برای تمرکز به‌عنوان سنجی رقابت در بازار دارد، برای امر نظارت معیاری بسیار کارآمد و برای بانک‌داران، ابزاری استراتژیک است.

بانک مرکزی آمریکا شاخص هر فیندال را با در نظر گرفتن ۱۰۰ درصد سپرده‌ی بانک‌های تجاری در بازار و حداقل ۵۰ درصد سپرده در مؤسسات پس‌انداز محاسبه کرده است. اگر بعد از یک ادغام، شاخص هر فیندال بیش‌تر از ۱۸۰۰ نباشد عموماً فرض می‌شود ادغام بر میزان رقابت اثر جدی ندارد. بر عکس اگر شاخص هر فیندال (H) پس از ادغام از سطح تعیین شده بیش‌تر شود، وضعیت رقابت در معرض خطر قرار می‌گیرد. علاوه بر تجزیه و تحلیل در زمینه‌ی ادغام بانک‌ها در دهه‌ی ۸۰، کمیسیون فدرال تجارت آمریکا برای طبقه‌بندی بازار نتایج زیر را اعلام کرده است: با شاخص هر فیندال (H) کم‌تر از ۱۰۰۰، بازار رقابتی و با شاخص بین ۱۰۰۰ تا ۱۸۰۰، بازار به غیررقابتی با وضعیت تمرکز ملایم و آرام تبدیل می‌شود، اما باید در مقابل ادغام شرکت‌ها و مؤسسات بانکی و غیربانکی با شاخص تمرکز بیش از ۱۸۰۰، بانک مرکزی و دولت دخالت کرده و قوانین ضد انحصاری را گسترش می‌دهد.

1- Herfindall-Hirschman.

۴-۱- الگوی نابرابری هر فیندال

تمرکز، مقیاسی برای اندازه‌گیری قدرت غلبه‌ی یک مؤسسه یا بنگاه در یک شاخه از فعالیت تولیدی و اقتصادی (پولی و مالی و ...) است، که تحت تأثیر تعداد بنگاه و اندازه‌ی نسبی بنگاه‌ها قرار دارد. فرض کنید در بازار N بنگاه، تولیدی به اندازه‌ی Q دارند، به طوری که می‌توان متوسط تولید و فعالیت یا اعتبار هر بنگاه و سهم آنان را از رابطه‌ی زیر به دست می‌آورد:

$$Q_i = Q_i(q_1, q_2, \dots, q_n) \quad (1)$$

$$Q = \sum_{i=1}^n q_i$$

$$S_i = \frac{q_i}{Q}$$

S_i = سهم بنگاه i از بازار را تعریف می‌کند. شاخص هر فیندال از به توان دوم (S_i) به دست می‌آید.

$$H_i = \sum_{i=1}^n (S_i)^2 = \left(\frac{q_i}{Q}\right)^2 \quad (2)$$

از آن جایی که $\sum_{i=1}^n (S_i)$ برابر کل فعالیت (بازار) است، اگر اندازه‌ی بنگاه در بازار یکسان و همگن باشد، S_i برابر $\frac{1}{N}$ خواهد شد. وقتی تابع هر فیندال (H) از بزرگ به کوچک تنظیم شود، تابعی محدب و کاهنده بوده و می‌توان آن را به صورت زیر محاسبه کرد:

- در مرحله‌ی اول با توجه به میزان اعتبار بانک‌ها، نسبت اعتبار هر بنگاه و بانک، به نسبت کل آن اعتبار محاسبه می‌شود، تا S_i یا سهم اعتبار هر مؤسسه‌ی بانکی و واسطه‌ی مالی به دست آید.

- توان دوم (S_i) شاخص هر فیندال است. در توان دوم به سهم‌های بزرگ وزن بیش‌تر و به سهم‌های کوچک وزن کم‌تر داده می‌شود. جمع توان دوم S_i همان شاخص هر فیندال است که با تنظیم بزرگ‌ترین سهم از بیش‌ترین سهم اعتباری به کم‌ترین سهم، منحنی هر فیندال محدب و به صورت تابعی محدود و کاهنده قابل ترسیم است.

برای محاسبه‌ی واریانس، که پراکندگی اندازه‌ی بنگاه در اطراف اندازه‌ی متوسط بازار را نشان می‌دهد، می‌توان از رابطه‌ی زیر استفاده کرد:

$$\sigma^2 = \frac{1}{N} \sum_{i=1}^n (q_i - \bar{q})^2$$

$$\sigma = \sqrt{\sigma^2} = \sqrt{\frac{1}{N} \sum_{i=1}^n (q_i - \bar{q})^2} \quad (3)$$

برای برآورد ضریب تغییر اندازه‌ی (V)، باید انحراف معیار را به متوسط اندازه‌ی بازار تقسیم کرد.

$$V = \frac{\sigma}{\bar{q}} = \frac{\sqrt{\sigma^2}}{\bar{q}}$$

$$V^2 = \frac{\sigma^2}{\bar{q}^2} = \frac{\frac{1}{N} \sum_{i=1}^n (q_i^2 - \bar{q}^2)}{\bar{q}^2} = \frac{\frac{1}{N} \sum_{i=1}^n q_i^2}{\bar{q}^2} - 1 \quad (4)$$

روش دیگر محاسبه‌ی ضریب تغییر اندازه، استفاده از رابطه‌ی $H-1$ است. اگر تعداد N معلوم باشد، مقدار H می‌تواند از روش $H = \frac{V+1}{N}$ به دست آید که به نابرابری اندازه‌ی بنگاه‌ها در صنعت بستگی دارد. هر چه ضریب تغییرات بیشتر باشد، نابرابری توزیع سهم بازار بیشتر و تمرکز بیشتر می‌شود.

۴-۲- تجزیه و تحلیل داده‌ها و نتایج مدل

داده‌های استفاده شده، متغیرهای سری زمانی از شروع قانون عملیات بانکی بدون ربا از سال ۱۳۶۳ تا سال ۱۳۸۶ در قالب عقود اسلامی است. پرداخت اعتبار براساس عقود، جدایی پذیری میان بازار پول و سرمایه را رد می‌کند و فرآیند حرکتی که همان ابزارهای اعتباری در سیستم پولی و معاملات و مبادلات هستند، منشاء تبدیل پول اولیه به پول ثانویه می‌باشد. پول به جای این که از ربا سود ببرد و افزایش یابد، از بازدهی سرمایه سود کسب می‌کند.

حداقل انتظار تئوریک این است که در سیستم بانکی بدون ربا، پول اولیه منشاء تغییر حقیقی در اقتصاد شود، و به دلیل مشارکت پول در سرمایه، رشد حقیقی را پدید آورد و منشاء هر گونه پول ثانویه، فرآیندی حقیقی و حرکتی پویا در اقتصاد ایجاد کند و بر رشد اثر مثبت پدید آورد، لذا ضرورت دارد برخی آزمون‌های آماری در متغیرهای سری زمانی بررسی و تجزیه و تحلیل شود.

۴-۳- آزمون ایستایی متغیرها و علیت گرنجری

ارتباط میان متغیرهای به‌کار رفته شده در مدل از نظر جهت علیت مهم است. یکی از آزمون‌هایی که جهت علیت متغیرها را ارزیابی می‌کند، علت گرنجری می‌باشد. بر اساس علیت گرنجری در یک زمان می‌توان گفت که متغیر توضیحی X_t علت Y_t است و تغییرات X_t سبب تغییر Y_t می‌شود. در علیت یک طرفه؛ X_t علیت گرنجری Y_t است، ولی حالت عکس درست نیست. در علیت دو طرفه X_t و Y_t به‌طور هم‌زمان تعیین می‌شود.

در آزمون علیت گرانجری فرضی مطرح می‌شود که بر اساس آن فرض صفر یا X_t علت Y_t نیست و آن زمانی است که احتمال کم‌تر از ۰.۵٪ شود. در مقابل وقتی احتمال بیش از ۰.۵٪ باشد، فرض اول پذیرفته می‌شود. اگر بر اساس آماره‌ی (F) فرض صفر در آزمون گرنجری رد شود، به این معنی است که یک متغیر، از نظر علیت گرنجری به درجه‌ی مدل اتورگرسیو (VAR)، ایستایی یا عدم ایستایی متغیرهایی که در آزمون استفاده می‌شوند، وابسته‌اند. مدل اتورگرسیو (VAR) با توجه به حداقل آماره‌های آکائیک (AIC)، شوارتز - بیزین (SC) به‌دست می‌آید و اگر متغیرها ایستا نباشند، براساس درجه‌ی نالیستایی، از تفاضل آن‌ها در آزمون علیت گرنجری استفاده می‌شود، لذا باید برای بررسی ایستایی برای متغیرهای مورد مطالعه آزمون گردد. بعد از تعیین دوره‌ی وقفه از تخمین، مدل اتورگرسیو برداری (VAR) به وسیله‌ی حداقل آماره‌های آکائیک و شوارتز بیزین به‌دست می‌آید. نتایج در جدول (۱) قابل بررسی است. - از نظر علیت گرنجری، عقد سلف، خرید دین، اجاره به شرط تملیک و مضاربه فقط علیت یک طرفه از عقد به رشد دارند. بقیه‌ی متغیرها از نظر علیت از عقد به رشد معنی‌دار نیستند و فرضیه‌ی H_0 تأیید می‌شود، در هیچ یک از عقود، علیت گرنجری از رشد به عقد برقرار نیست.

- از نظر آزمون ایستایی، متغیر رشد اقتصادی به‌عنوان متغیر وابسته، ایستا و متغیرهای توضیحی به جزء خرید دین، در سطح و عقود مشارکتی در احتمال (۰/۱۰ درصد) در سطح و با احتمال (۰/۵) در تفاضل مرتبه‌ی اول ایستا هستند. بقیه‌ی متغیرها هم در تفاضل مرتبه‌ی اول ایستا می‌باشند، لذا نمی‌توان به برآورد با روش OLS و نتایج به‌دست آمده از آن اعتماد کرد.

جدول ۱- آزمون علیت گرنجر عقود اسلامی و رشد اقتصادی

نام عقد	علیت از عقد به رشد اقتصادی	علیت از رشد اقتصادی به عقد	ایستایی در:
عقود مشارکتی	H_0	H_0	تفاضل اول
عقود با نرخ سود ثابت	H_0	H_0	تفاضل اول
عقود با نرخ سود متغیر	H_0	H_0	تفاضل اول
مشارکت مدنی	H_0	H_0	تفاضل اول
مشارکت حقوقی	H_1	H_0	تفاضل اول
مضاربه	H_0	H_0	سطح
فروش اقساطی	H_0	H_0	تفاضل اول
جعاله	H_0	H_0	تفاضل اول
خرید دین	H_1	H_0	سطح
سلف	H_1	H_0	تفاضل اول
سرمایه‌گذاری مستقیم	H_1	H_0	تفاضل اول
قرض الحسنه	H_0	H_0	تفاضل اول
اجاره به شرط تملیک	H_1	H_0	تفاضل اول
سایر	H_0	H_0	تفاضل اول

منبع: یافته‌های تحقیق

۴-۴- دسته‌بندی سهم اعتباری عقود براساس برنامه‌ی توسعه

داده‌های استخراج شده بر اساس عقود دوره‌ی زمانی (۶۳ تا ۶۷) ۵ سال قبل از برنامه‌ی اول برنامه‌ی توسعه، برنامه‌ی اول تا چهارم دسته‌بندی شده است. برنامه‌ی چهارم با توجه به آخرین داده‌های آماری ۱۳۸۶ مربوط به ۳ سال است. با تقسیم بندی بر اساس عقود مشارکتی، عقود با نرخ ثابت و نرخ متغیر، می‌توان طبق جدول (۲) نتایج ذیل را به‌دست آورد:

الف: در تمام دوره‌ی مطالعه از ۶۳ تا ۱۳۶۸، عقود با نرخ ثابت، بیش‌ترین سهم از عقدها را دارا هستند. اعداد داخل پرانتز، نرخ رشد آن عقد نسبت به سال قبل را نشان می‌دهد، عقود مشارکتی در تمام دوره در رتبه‌ی دوم قرار دارند و عقود با نرخ متغیر در رتبه‌ی سوم هستند.

ب: نسبت عقود مشارکتی به عقود با نرخ ثابت در سال ۶۳ تا ۶۷، حدود (۸۷ درصد)، در برنامه‌ی اول (۷۱ درصد) در برنامه‌ی دوم توسعه به (۳۶٪) کاهش یافته است. این کاهش در برنامه‌ی سوم (۲۸٪) رسیده اما در برنامه‌ی چهارم با یک درصد افزایش به (۳۸٪) افزایش یافته که این تغییرات جزئی است. در تمام دوره‌ی مطالعه‌ی عقد فروش اقساطی دارای سهمی معادل ۴۰ تا ۵۰ درصد از کل سهم اعتباری را به خود اختصاص داده و بقیه سهم اعتباری به سایر عقود تخصیص یافته است. نا متقارنی و بی تناسبی این توزیع اعتبارات این اثر دارد که اگر این عقد در سیستم پولی - اعتباری اثر منفی در رشد داشته باشد، نظام بانکداری بدون ربا غیرکارآمد عمل می‌کند و حتی ممکن است اثر تورمی پدید آورد.

جدول ۲- جدول رتبه‌بندی سهم اعتباری براساس عقود مشارکتی و عقود با نرخ ثابت و متغیر

رتبه‌ی اول	رتبه‌ی دوم	رتبه‌ی سوم	نسبت عقود مشارکتی به ثابت
قبل از برنامه‌ی اول ۶۳ تا ۶۷	عقود مشارکتی ۳۴,۶۸	عقود متغیر ۵,۴۴	۰/۸۷
برنامه‌ی اول	عقود مشارکتی ۳۰,۱۵ (۱۳ - درصد)	عقود متغیر ۱۲,۳۵ (۱۲.۷ - درصد)	۰/۷۱
برنامه‌ی دوم	عقود مشارکتی ۲۳,۰۶ (۲۳.۵ - درصد)	عقود متغیر ۹,۴ (۲۲ - درصد)	۰/۷۱
برنامه‌ی سوم	عقود مشارکتی ۱۷,۰۴ (۲۶.۱ - درصد)	عقود متغیر ۸,۹ (۵.۳ - درصد)	۰/۳۶
برنامه‌ی چهارم	عقود مشارکتی ۲۱,۲۶ (۲۴.۷ - درصد)	عقود متغیر ۱۰,۸ (۲۱.۳ - درصد)	۰/۲۸

منبع: یافته‌های تحقیق

۴-۵- رتبه‌بندی سهم اعتباری (عقود) و ضریب تمرکز هرفیندال - هیرشمن

در سال‌های ۱۳۶۳ تا ۱۳۶۷، فروش اقساطی بیش‌ترین سهم را به خود اختصاص داده و کم‌ترین سهم به اجاره به شرط تملیک اختصاص یافته است. شاخص هرفیندال با تمرکز ($H_1=2197$) کم‌ترین درجه‌ی تمرکز را در طول دوره نشان می‌دهد. فروش اقساطی در تمام دوره بیش‌ترین سهم را به خود اختصاص داده است. رتبه‌ی دوم به جز سال‌های ۱۳۶۳ تا ۱۳۶۷ که مضاربه سهم بیش‌تری دارد، در بقیه‌ی سال‌ها به عقد مدنی اختصاص دارد، سرمایه‌گذاری مستقیم سیستم بانکی در سال‌های ۱۳۶۳ تا ۱۳۶۷ در رتبه‌ی (۸) و در بقیه‌ی دوره‌ی برنامه‌ی اول و دوم توسعه در رتبه‌ی (۹) و در برنامه‌ی سوم و چهارم در رتبه‌ی دهم قرار گرفته است. مشارکت حقوقی که کم‌ترین سهم را به خود اختصاص داد، در برنامه‌ی اول و دوم در رتبه‌ی هشتم و در برنامه‌ی سوم و چهارم در رتبه‌ی نهم قرار دارد.

ضریب هرفیندال در برنامه‌ی سوم با (۳۶۸۸)، بیش‌ترین تمرکز، در برنامه‌ی دوم با (۳۱۸۲) نسبت به برنامه‌ی سوم، کم‌تر و در برنامه‌ی چهارم با (۲۹۴۶) و برنامه‌ی اول با (۲۶۷۷) و در سال‌های ۶۳ تا ۷۶ با (۲۱۷۹) کم‌ترین مقدار را دارد. جدول (۳)، این نتایج را نشان می‌دهد.

جدول ۳- رتبه‌بندی سهم اعتباری (عقود) ضریب تمرکز هرفیندال بر اساس بالاترین سهم به کوچک‌ترین سهم

برنامه‌ی توسعه	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	H
۶۳-۶۷	فروش اقساطی	مضاربه	مدنی	قرض الحسنه	خرید دین	حقوقی	سلف	سرمایه‌گذاری	سایر	جعاله	اجاره به	۲۱۷۹
برنامه‌ی اول توسعه	فروش اقساطی	مدنی	سایر	مضاربه	سلف	قرض الحسنه	جعاله	حقوقی	سرمایه‌گذاری	اجاره	خرید دین	۲۶۷۷
برنامه‌ی دوم توسعه	فروش اقساطی	مدنی	سایر	مضاربه	سلف	قرض الحسنه	جعاله	حقوقی	سرمایه‌گذاری	اجاره	خرید دین	۳۱۱۸
برنامه‌ی سوم توسعه	فروش اقساطی	مدنی	سایر	سلف	مضاربه	قرض الحسنه	جعاله	حقوقی	سرمایه‌گذاری	خرید دین	خرید دین	۳۶۸۸
برنامه‌ی چهارم توسعه (۳ سال)	فروش اقساطی	مدنی	سایر	مضاربه	جعاله	سلف	قرض الحسنه	اجاره	حقوقی	سرمایه‌گذاری	خرید دین	۲۹۴۶

منبع: یافته‌های تحقیق

۴-۶- نسبت تمرکز در اعتبارات بانکی

درصد نسبت تمرکز قدرت انحصاری در یک فعالیت را تشریح می‌کند، در ارزیابی درجه‌ی تمرکز، گرایش سیستم پولی - اعتباری بانک‌ها بیش‌تر به سمت دو عقد فروش اقساطی - مضاربه در سه سال اول عملیات بانکی بدون ربا و فروش اقساطی عقد مشارکتی مدنی از سال ۱۳۶۳ تا ۱۳۶۸ می‌باشد. طبق جدول (۴)، در تمام دوره‌های برنامه‌ی اول، دوم، سوم و چهارم، دو عقد فروش اقساطی و مشارکتی مدنی با ۵۹/۲ درصد به عنوان کم‌ترین درجه‌ی تمرکز در سال ۱۳۶۸ و با ۷۱ درصد به عنوان

جدول ۴- ارزیابی تمرکز در ۵۰ درصد سهم اعتبارات و بررسی ضریب تمرکز

سال	تمرکز در ۵۰ درصد سهم اعتبارات	میزان سهم دو عقد	ضریب تمرکز در ۲ عقد	ضریب تمرکز در بقیه عقود	متوسط تمرکز در ۲ عقد	متوسط تمرکز در بقیه عقود
۶۳	اقساطی - مضاربه	۵۲/۵	۱۴۹۸/۲۵۰	۵۰۶/۸۷	۴۷۹/۱۲۵	۶۹/۵۶۸۸۹
۶۴	اقساطی - مضاربه	۴۸/۵	۱۳۱۵/۵۷۰	۴۶۷/۵۰۰	۶۵۷/۷۸۵	۶۰/۶۶۸۸۹
۶۵	اقساطی - مضاربه	۵۱/۲	۱۵۱۴/۷۴	۴۳۹/۶۴۰	۷۵۷/۳۷	۵۴/۰۷۵۵۶
۶۶	اقساطی - مدنی	۵۶/۲	۲۰۱۳/۷۳	۳۵۶/۵۹۰	۱۰۰۶/۸۶۵	۳۹/۶۲۱۱۱
۶۷	اقساطی - مدنی	۵۸	۲۳۵۵/۳	۳۱۲/۶۸	۱۱۷۷/۶۵۰	۳۴/۷۴۲۲۲
۶۸	اقساطی - مدنی	۵۹/۶	۲۳۵۴/۰۸	۲۸۲/۴۲	۱۱۷۷/۰۴	۳۱/۳۸
۶۹	اقساطی - مدنی	۶۳/۵	۲۶۱۱/۳۵	۲۳۵/۶۹	۱۳۰۵/۶۲۵	۲۶/۱۸۷۷۸
۷۰	اقساطی - مدنی	۶۴/۸	۲۵۲۵/۸۴	۲۱۶/۷۲	۱۲۶۲/۹۲۰	۲۴/۰۸
۷۱	اقساطی - مدنی	۶۴/۱	۲۴۷۲/۰۱	۲۰۸/۵۷	۱۲۳۶/۰۰۵	۲۳/۱۷۴۴۴
۷۲	اقساطی - مدنی	۶۲/۴	۲۳۲۷/۷۶	۲۱۰/۶۸	۱۱۶۳/۸۸۰	۲۳/۴۰۸۸۹
۷۳	اقساطی - مدنی	۶۳/۹	۲۴۲۵/۲۵	۹۶/۱۱	۱۲۱۲/۶۲۵	۲۱/۷۹
۷۴	اقساطی - مدنی	۶۴/۴	۲۴۰۱/۳۶	۹۰/۹۸	۱۲۰۰/۶۸۰	۲۱/۷۷۵۵۶
۷۵	اقساطی - مدنی	۶۳/۰	۲۲۶۷/۷۲	۱۹۹/۱۸۰۸	۱۱۳۳/۸۶۰	۲۲/۱۳۱۲۰
۷۶	اقساطی - مدنی	۶۴/۶	۳۲۷۰/۵۶	۱۶۴/۱۲۸۲	۱۶۳۵/۲۸۰	۱۸/۲۳۶۴۷
۷۷	اقساطی - مدنی	۶۷/۳	۳۴۰۰/۳۴	۱۸۳/۶۸۶۲	۱۷۰۰/۱۷۰	۲۰/۴۰۹۵۸
۷۸	اقساطی - مدنی	۷۰	۳۶۷۰/۱۸۰	۱۵۳/۳۲۲۲	۱۸۳۵/۰۹۰	۱۷/۰۲۴۶۹
۷۹	اقساطی - مدنی	۷۰/۶	۳۷۹۴/۶۵	۱۴۸/۶۸۶۸	۱۸۹۷/۳۲۵	۱۶/۵۲۰۷۶
۸۰	اقساطی - مدنی	۷۱	۳۹۶۷/۷۲	۱۵۶/۸۹۳	۱۹۳۸/۸۶۰	۱۷/۴۳۲۶۴
۸۱	اقساطی - مدنی	۶۹/۱	۳۹۶۱/۰۱	۱۸۰/۳۲۷۲	۱۹۸۰/۷۰۵	۲۰/۰۳۶۳۶
۸۲	اقساطی - مدنی	۶۳/۷	۲۹۰۶/۶۵	۲۵۰/۶۴۹۴	۱۴۵۳/۳۲۵	۲۷/۸۴۹۹۳
۸۳	اقساطی - مدنی	۶۲/۹	۲۸۷۲/۸۵	۲۰۵/۱۷۵۰	۱۴۳۶/۴۲۵	۲۲/۷۹۷۲۲
۸۴	اقساطی - مدنی	۶۱/۱	۲۶۱۵/۴۵	۲۳۳/۱۴	۱۳۰۷/۷۲۵	۲۵/۹۰۴۵۸
۸۵	اقساطی - مدنی	۶۳/۱	۲۸۷۴/۵۳	۱۹۳/۸۸۷۸	۱۴۳۷/۲۶۵	۲۱/۵۴۳۰۹
۸۶	اقساطی - مدنی	۶۱	۲۶۶۸/۵۲	۲۲۵/۳۰۰۸	۱۳۳۴/۲۶۰	۲۵/۰۲۲۳۱

منبع: یافته‌های تحقیق

بیش‌ترین درجه‌ی تمرکز در سال ۸۰ می‌باشد. نکته‌ی مهم دیگر در این بررسی این است که عقد فروش اقساطی در دسته‌ی عقد با نرخ ثابت و عقد مشارکت مدنی در دسته‌ی عقد مشارکتی قرار دارد. فروش اقساطی با سهمی حدود ۴۰ تا ۵۰ درصد از اعتبارات پرداختی، در دوره‌ی مطالعه از ضریب تمرکز بالایی برخوردار است. هر چند این عقد دارای دامنه‌ی تأثیرگذاری مختلفی در بخش‌های تولیدی، صنعتی، بازرگانی و خدماتی است، اما گرایش عمده‌ی بانک‌ها در این عقد به سمت معاملات کوتاه مدت است، تا معاملات بلندمدت سرمایه‌ای.

دامنه‌ی تأثیرگذاری عقد مشارکت مدنی نیز در زمینه‌های صنعتی و تولیدی، بازرگانی و تجاری، مسکن، کشاورزی و خدمات می‌باشد و این عقد بیش‌تر بین اشخاص حقیقی یا حقوقی منعقد می‌شود، به طوری که مشارکت مدنی را در هم آمیختن سهم شرکت نقدی یا غیرنقدی متعلق به اشخاص حقیقی یا حقوقی به نحو مشاع به منظور انتفاع طبق قرارداد می‌دانند. در عقد فروش اقساطی، دامنه‌ی شمول تأثیرگذار مشابه عقد مدنی است و آن عقدی است از واگذاری عین به بهای معلوم به غیر، به ترتیبی که تمام یا قسمتی از بهای مزبور به اقساط مساوی یا غیرمساوی در سررسیدهای معین دریافت می‌شود. جدول (۴) این نتایج را نشان می‌دهد.

۵- نتیجه‌گیری

بررسی ضریب تمرکز هرفیندال نشان می‌دهد که در سیستم بانک‌داری ایران در دو سال ۱۳۶۳ تا ۱۳۶۵ بیش‌ترین تمرکز در دو عقد فروش اقساطی و مضاربه بوده و در سال‌های ۱۳۶۶ تا ۱۳۸۶ (۲۰ سال) دو عقد فروش اقساطی و مشارکت مدنی، تمرکز بیش‌تری را نسبت به نه عقد دیگر دارا بوده‌اند. علاوه بر آن، میانگین اعتبارات بانکی در دو عقد متمرکز حدود چهار برابر متوسط تمرکز در نه عقد دیگر است. این مقاله نشان می‌دهد با توجه به ارزیابی رابطه‌ی علیت میان عقود و رشد اقتصادی، با وجود این‌که فروش اقساطی بیش‌ترین سهم (حدود ۴۰ تا ۵۰ درصد) و تمرکز را در بین عقود دارد، فرضیه H_0 هم در تأثیرگذاری عقد به رشد اقتصادی و هم رشد اقتصادی به عقد صادق است. با دامنه‌ی وسیع مصارف در بخش‌های مختلف اقتصادی، شواهد نشان می‌دهد بانک‌ها در این عقد گرایش به معاملات کوتاه‌مدت و مصرفی دارند تا معاملات سرمایه‌ای بلندمدت، حتی بسیاری از پیش فاکتورهای صادره برای بهره‌مندی از این عقد صوری و ظاهری است و متقاضیان وام فقط برای دریافت اعتبار و انجام هزینه‌ای

غیر از فاکتورهای تحویلی آن را هزینه می‌کنند. همان گونه که نتایج این تحقیق نشان داده است، تأثیر این عملکرد در عقد فروش اقساطی با حدود ۵۰ درصد سهم، در اقتصاد در مسیر رشد مؤثر نیست.

همین نتیجه برای مضاربه و مشارکت مدنی نیز قابل تفسیر است. عقود مشارکت حقوقی، خرید دین، سلف، سرمایه‌گذاری مستقیم و اجاره به شرط تملیک، از نظر علیت گرنجری معنی‌دار بودن عقد به رشد را نشان می‌دهند، اما هیچ یک از عقود یازده گانه‌ی علیت گرنجری، رشد به عقد را معنی‌دار تفسیر نمی‌کنند. گرایش سیستم اعتباری به سمت عقود با بازدهی ثابت نیز در مقایسه با عقود مشارکتی ناموفق عمل کرده است، بنابراین نمی‌توان سیاست‌گذاری اعتباری عملیات بانکی بدون ربا را بر رشد، مؤفق دانست و لازم است سیستم پولی، سیاست اعتباری را به سمت عقود مشارکت حقوقی و اجاره به شرط تملیک و سرمایه‌گذاری مستقیم تغییر دهد. دارا بودن بیش‌ترین سهم و تمرکز در عقد فروش اقساطی بیانگر این است که نظام بانکی ایران حدود ۵۰ درصد اعتبارات را به سمت عقود با بازدهی ثابت هدایت کرده است. معمولاً بانک‌هایی که تمایل به پرداخت اعتبار با سود ثابت دارند، اهداف رشد را در اولویت قرار نمی‌دهند.

پیشنهادهای

سهم اعتباری فروش اقساطی از کل اعتبار و به‌کارگیری آن در معاملات کوتاه مدت در نظام عملیات بانکی بدون ربا در ایران نه تنها مشکلی را حل نمی‌کند، بلکه خود نیز مشکل‌ساز خواهد شد. مهم‌ترین مشکل در نظام اعتباری فوق، گرایش به معاملات واسطه‌ای غیرضروری و تورمزاست. نظام پولی و اعتباری به جای اثر مثبت بر رشد، بر تورم و فشار تقاضا اثر مثبت ایجاد می‌کند و موجب می‌شود حتی با عملیات بدون ربا، غیرکارآمد عمل کند. لذا اصلی‌ترین کاری که بانک مرکزی به عنوان سیاست‌گذار پولی و اعتباری باید انجام دهد:

۱- طراحی سیاست توازن اعتباری بر اساس میزان اثر بخشی هر عقد در اقتصاد است، در غیر این صورت به جای این که نظام اعتباری با روش عقود اسلامی مؤثر در فرایندهای اقتصاد باشد غیر کارآمدتر از نظام بانک‌داری سنتی خواهد شد.

۲- حداقل این که با سیاست‌گذاری مناسب اگر هم تمایل اعتباری به سمت فروش اقساطی باشد، تخصیص اعتبار را به سمت معاملات سرمایه‌ای و بلندمدت هدایت کند.

۳- بانک مرکزی باید با سیاست‌گذاری مناسب و متناسب تخصیص اعتبارات در عملیات بانکی بدون ربا رابه سمت مشارکت حقوقی، اجاره به شرط تملیک و سرمایه‌گذاری مستقیم هدایت کند. اصلاح سهم اعتباری در این عقود اثر بیش‌تری بر رشد بر جای خواهد گذاشت.

فهرست منابع

- ۱- پژوهان، جمشید و دوانی، عبدالله (۱۳۸۳) "حساسیت سرمایه‌گذاری در واکنش به نرخ سود بانکی"، فصل‌نامه‌ی پژوهش‌نامه‌ی اقتصادی، شماره‌ی ۱۴ شماره‌ی ۳ صفحه‌ی ۱۳.
- ۲- پورفرج علی رضا (۱۳۸۵) "روش دستیابی به رشد پایدار با حذف بهره در الگوی پولی اسلامی" فصل‌نامه‌ی پژوهش‌های اقتصادی سال ششم - شماره‌ی سوم صفحه‌ی ۶۳.
- ۳- توتونچیان، (۱۳۷۱) "مقایسه‌ی اجمالی بین هزینه‌ی سرمایه در دو سیستم ربوی و غیرربوی"، تحقیقات اقتصادی، شماره‌ی ۴۰.
- ۴- حشمتی مولایی، حسین (۱۳۸۳) "عوامل مؤثر بر توسعه‌ی مالی در نظام بانک‌داری ایران" فصل‌نامه‌ی پژوهش‌نامه‌ی اقتصادی، شماره‌ی ۱۳ شماره‌ی ۲ صفحه‌ی ۵۵.
- ۵- خان، محسن. و میر آخور (۱۳۷۰) "مطالعات نظری در بانک‌داری و مالیه اسلامی" محمد ضیائی بیگدلی. مؤسسه‌ی بانک‌داری ایران، چاپ اول.
- ۶- فطرس، محمد حسن (۱۳۷۳) "شاخص تمرکز هرفیندال - هیرشمن" روند، بانک مرکزی ایران، شماره‌ی ۱۸ و ۱۹ صفحه‌ی ۱۳۳.
- ۷- صمدی، سعید و خدیجه نصراللهی و مرتضی کرملیان سیچانی (۱۳۸۶) "بررسی رابطه‌ی بین توسعه‌ی بازارهای مالی و رشد اقتصادی" فصل‌نامه‌ی پژوهش‌نامه‌ی اقتصادی. انتشارات پژوهشکده‌ی امور اقتصادی، شماره‌ی ۳.
- ۸- متوسلی محمد و رضا آقابائی (۱۳۸۵) "آسیب شناسی نظام بانکی ایران از منظر نهادگرایی" مجله‌ی تحقیقات اقتصادی شماره‌ی ۷۲ / صفحات ۱۵-۲۶.
- ۹- موسویان، سید عباس (۱۳۸۵) "الگوی جدید بانک‌داری بدون ربا" فصل‌نامه‌ی اقتصاد اسلامی، شماره‌ی ۲۳ صفحه‌ی ۱۳.

- ۱۰- ----- (۱۳۸۶) "نقد و بررسی قانون عملیات بانکی بدون ربا پیشنهاد قانون جایگزین" فصل‌نامه‌ی اقتصاد اسلامی شماره‌ی ۲۵ صفحه‌ی ۹.
- ۱۱- میرجلیلی، سید حسین (۱۳۸۳) "الگوی برای سازماندهی مجدد نظام بانکی در ایران" نامه‌ی مفید، سال دهم شماره‌ی ۴۲ صفحه‌ی ۶۵.
- ۱۲- نظیفی، فاطمه (۱۳۸۳) "توسعه‌ی مالی و رشد اقتصادی در ایران" فصل‌نامه‌ی پژوهش‌نامه‌ی اقتصادی، سال چهارم شماره‌ی ۱۳، صفحه‌ی ۹۷.
- 13- Gold Smit, R. W (1934) "Financial structure and Development" Yale University Newhaven, CT.
- 14- Keynes. J. M (1964) The General theory of Employment, Investment and Money; Harcourt, Brace & world, inc, (N.Y) ; pp 203.
- 15- Levine, Ross (1997) "Financial Development and Economic Growth: view and Agenda" Journal of Economic literature No,35.
- 16- Levine, Ross, Loay Zan and Beck, T (1995) "Financial Intermediation and Growth: Causality and causes" Monetary Economic, Vol 46.
- 17- Mc Kinnon, R. J (1983) "Money and Capital in Economic Development" Washington DC: The Brooking Institution.
- 18- Shaw, G. S, (1973) "Financial Deeping in Economic Development" Oxford University Press.